

فرهنگ ایرانی، یکی از بزرگترین فرهنگهای دنیاست

لوریس چکناواریان

متولد ۱۳۱۶ بروجرد

تحصیلات: هنرستانهای موسیقی - آکادمی موسیقی وین و امریکا
رهبری ارکستر و ساخت اهنگ در ایران - انگلستان، اجرا در کشورهای مختلف

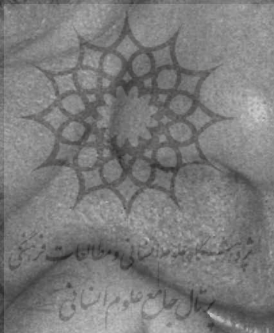
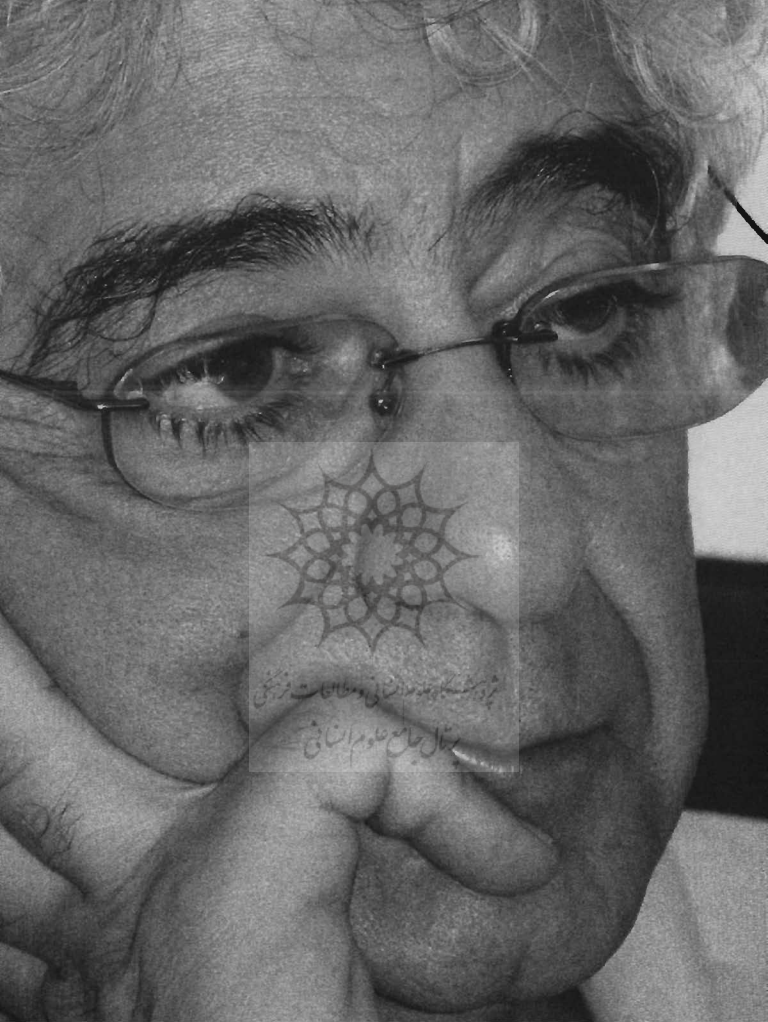
○ استاد! موسیقی چه نقشی می‌تواند در نزدیکی و همبستگی ملتها داشته باشد؟
موسیقی زبان خداوند است. موسیقی چون کلام ندارد، زبان ملموس است، یعنی همه همان احساس را نسبت به موسیقی دارند و با موسیقی همه متحد هستند. یعنی موسیقی می‌تواند احساس خودش را بیان کند. فرق نمی‌کند از کدام کشور یا از کدام قوم باشد. موسیقی کاملاً آن احساس همبستگی بشری را به وجود می‌آورد.

○ شاید این زبان خداوند است که زاهای هم برای گفت‌وگوی تمدنهای مختلف با هم بوده است؟

گفت‌وگوی تمدنها، فقط با کلام نیست، باید با احساس هم باشد. کلام ممکن است صد هزار کلمه باشد، ولی موسیقی میلیونها و میلیاردها اشاره دارد که با آن، دو نفر همدیگر را بهتر می‌فهمند.

○ با موسیقی چگونه با جهانیان ارتباط برقرار کرده‌اید؟

رهبری کردن ارکستر مجلسی در تالار رودکی خیلی موفق بود. در پاریس و لندن به نفع زلزله‌زدگان کنسرت برگزار کردیم که شخصیتهای مهم آن کشورها آمدند و تنها ایرانیان نبودند، بلکه بیشتر آنها انگلیسی و فرانسوی بودند و یک رابطه فرهنگی خیلی مهم بود و نه فقط یک همدردی، بلکه یک رابطه فرهنگی مهم را نشان داد، که ما هم می‌توانیم با زبان بین‌المللی با آنها و در واقع با موسیقی با



پژوهشگاه بین‌المللی علوم و مباحثات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

آنها صحبت کنیم.

○ شما چطور شد که به موسیقی علاقمند شدید؟

نمی‌دانم! ببینید این چیزهایی است که از بالا می‌آید، هیچ‌کس نمی‌داند که چرا نویسنده شده است. چرا دکتر یا نقاش شده است. نمی‌شود گفت. این سرنوشت فرد است، این طور به دنیا می‌آیی. نمی‌شود گفت چرا.

○ استاد، یکی از مشخصات کار شما استفاده از آثار ادبی و فرهنگی زبان فارسی بوده، که شاید قبلاً کاری روی آن نشده بود و برای دوستداران شما وقتی اجرای اپرای رستم و سهراب را می‌دیدند، بسیار شوق‌آفرین بود. بفرمایید این نیاوری از طرف شما بود یا اینکه سابقه داشته و چرا اصلاً به این فکر افتادید؟

سبک اپرا، سبکی است که چند صد سال است در اروپا برقرار است و اسطوره رستم و سهراب را به آن سبک به صورت اپرا نوشتیم و خواننده‌ها با ارکستر و آکوالبته، رستم و سهراب، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون از داستانهای عاشقانه‌ای هستند که از مهمترین کارهای ادبی دنیا به حساب می‌آید و من نتواستم این داستانها در موسیقی، احساس و کلام خود را از دست بدهم، یعنی خود روایت داستانی در درجه اول اهمیت قرار گیرد و برای اینکه بخواهیم در جاهای مختلف با تجربه‌های مختلف آن را اجرا کنیم. طوری آن را نوشتیم که هم‌زمان با دکلمه باشد یعنی موسیقی به گونه‌ای دکلمه را همراهی کند که بتوانیم احساس کلمات را با موسیقی بیشتر نشان دهیم. خسرو و شیرین اولین تجربه‌ای بود که در این زمینه انجام دادم، بعد این کار را روی شیرین و فرهاد و بعد لیلی و مجنون انجام دادم و خوشحالم که استقبال خوبی از آن شد.

○ استاد جدا از این شما یک کار به یاد ماندنی دیگر هم داشتید و آن تلفیق موسیقی محلی با موسیقی علمی جهان بود که شما با همکاری آقای شهرام ناظری آن را انجام دادید. چطور و چگونه ایده این اجرا به ذهن شما خطور کرد؟ استقبال از آن در چه حد بود؟ آیا به این کار ادامه می‌دهید؟

البته موسیقیهای محلی قشنگترین موسیقیهای دنیا هستند، چون آن را خود مردم به وجود می‌آورند، و اهداف آن، مراسم مختلف است و به دلایل مختلف ممکن است این آهنگ به وجود بیاید. یکی آن را می‌خواند، یکی می‌شود و بیشتر و کمترش می‌کند و آهنگساز واقعی، در حقیقت خود مردم هستند. قشنگترین آهنگها، آهنگهای محلی هستند و بزرگترین آهنگسازان دنیا همیشه از آهنگهای محلی استفاده کرده‌اند. آنها بر سمفونی خودشان کار کرده‌اند و آن را تکمیل کرده‌اند و به زبان دنیایی در آورده‌اند و به آن هارمونی داده‌اند و آن را رنگ آمیزی کرده‌اند، ما هم همان کار را با همکاری آقای شهرام ناظری انجام دادیم. موسیقی محلی بود آن را برای ارکستر تنظیم کردیم و ایشان هم که استاد و خواننده خیلی بزرگی است، در نتیجه برنامه خیلی قشنگ و زیبایی از کار درآمد. ده قطعه است که آماده کرده‌ایم، اما هنوز اجرا نشده‌اند و امیدوارم که انشاءالله در آینده آنها را اجرا کنیم.

○ با خواننده‌های دیگر؟

بله با خوانندگان مختلف کار می‌کنیم.

○ شنیده‌ام می‌خواهید با استاد شجریان کار کنید؟

با ایشان صحبت شده، ولی هنوز در مرحله صحبت است.

○ استاد، وقتی خدمت شما رسیدم، آن همبستگی عاطفی که بین ارمنیان ایرانی با بقیه اقوامی که در این کشور زندگی می‌کنند را بیشتر درک می‌کنم و وقعاً فکر می‌کنم شما این احساس را به صورت عملی نشان می‌دهید. در مورد این مسئله صحبت بفرمایید که موسیقی چقدر توانسته است باعث این همبستگی بشود؟



البته تاریخ مردم پارس (یک زمان به همه این منطقه، منطقه ایران می گفتند) روشن است، کوروش شاه شاهان بوده است. یعنی ارامنه با پارسها یعنی ایران که اسم کشور است و یک منطقه است. پیوند داشته اند، پارسها و ارامنه. پارسها از همان روز اول که آمدند، با آنها زیستند و همین امروز هم یک همبستگی خیلی نزدیک وجود دارد و فقط مذهب است که بین آنها متفاوت است و از نظر مذهبی از هم جدا هستند. از نظر روحی و از نظر اخلاقی و از نظر عاطفی با هم بوده اند، حتی در زمان سلسله هخامنشی بزرگترین جنگاوران از ارامنه بودند و آن موقع که دکتر بندرت پیدا می شد، ارامنه به کار پزشکی مشغول بودند، مهندس بودند، هنرمندان در میان آنها بودند و شاید خودشان را دور از ایران احساس نمی کردند، اخلاقاً اهل اینجا هستند و هر کجا اتفاقی در دنیا افتاده، همیشه ارامنه به ایران آمده اند. من هم که ایرانی ارمنی هستم، خیلی افتخار می کنم که در ایران متولد شده ام به خصوص در بروجرد متولد شدم و افتخار می کنم که در کشوری که واقعاً یکی از فرهنگهای بزرگ دنیا است متولد شده ام، بزرگ شده ام و جداً جای دیگر هم نمی خواهم باشم.

○ استاد شما کار موسیقی فیلم هم انجام می دادید، من یادم می آید اگر اشتباه نکنم، موسیقی فیلم چشمه آرپی آوانسیان را شما انجام داده اید.
بیشتر مستند کار کرده ام، تقریباً حدود ۴۵-۴۰ فیلم مستند نوشتم، ۵-۶ فیلم سینمایی، اولین فیلم سینمایی در سال ۱۹۶۱ فیلم جدال در مهتاب محصول ایران و ایتالیا بود. این اولین فیلمی بود که واقعاً برای آن موسیقی ساخته شد، نه اینکه صفحه گذاشته باشند.

○ استاد کار موسیقی فیلم ادامه دارد؟

الان روی فیلمی برای تلویزیون کار می کنم که راجع به زندگی حضرت مسیح (ع) است.

○ استاد یک نکته دیگر اینکه چند شیوه موسیقی مذهبی و کلیسایی در کار شما نمود داشته است؟

مسائل کلیسایی و هم مسائل اسلام. من مسیحی هستم و در کلیسا بزرگ شده ام، خصوصاً کلیسای ارامنه که همه مراسم آن با موسیقی توأم است. باید اضافه کنم که از دین اسلام هم، تعزیه و مراسم سوگواری و نوحه خوانی را جمع آوری کرده ام و در رستم و سهراب از آنها استفاده کردم، چون در مورد موسیقی مذهبی، این نکته جالب است که هیچ فرقی نمی کند کدام مذهب باشد، همه انواع این موسیقی خیلی زیباست. هر کدام می خواهد باشد، بودایی، زرتشتی یا ... چون در آنجا پاکی و زیبایی است. حتی موسیقی مذهبی هندی، بودایی یا موسیقی کلیسایی در همه جا شما احساس آسمانی پیدا می کنید.

○ استاد، در مورد موسیقی ایرانی بعضی معتقدند که موسیقی ایرانی در یک حالت ایستایی قرار دارد. حتی وقتی با ارکستر بزرگ اجرا می شود، پیشرفت آن کمتر است و شاید این برمی گردد به روح درون گرایی ایرانی و بیشتر فردمحوری است. به نظر شما، قابلیت موسیقی ایرانی تا چه حد است؟ این موسیقی که ما به عنوان موسیقی سنتی ایرانی و دستگاههایی که داریم، می شناسیم، در کجای موسیقی جهان ایستاده است؟

موسیقی ایرانی خیلی قشنگ است و قرنهای روی آن کار شده است. در هر رشته هنری در دنیا موقعی پیش می آید که آن هنر می ایستد، دلیل نمی شود که آن را بزرگ نپنداریم. حتی ممکن است این توقف ده تا پانزده سال طول بکشد. اما هیچ موقع، هیچ سبکی از بین نمی رود. ممکن است متوقف شود، اما موسیقی



سنتی ایران آن قدر قوی و زیباست که امکان ندارد از بین برود. من معتقدم حتماً این موسیقی ادامه خواهد داشت، شاید در پنج سال آینده، استاد‌های خیلی مهمی مثل خالقی، بنان، وزیر، صبا، تهرانی و ... دوباره پدید آیند. مدتی بود که نایب‌هایی به دنیا می‌آمدند، وقتی آن قدر نایب در مدتی کوتاه به دنیا می‌آیند، اگر دقت کنید مدتی وقفه ایجاد می‌شود. به اعتقاد من چند سال طول می‌کشد و پس از آن هنرمندان بزرگی مثل آنهایی که نام بردم، متولد می‌شوند و بعد باز هم این هنر پیش می‌رود.

○ پس به موسیقی ایرانی باید امیدوار بود؟

بله مثل ساختمانی است که پی آن، آن قدر محکم و قوی است که امکان ندارد فرو بریزد، حالا ساختمان را ساخته‌اند و به طبقه پنجم رسیده‌اند، ولی آن قدر قوی است که ممکن است به صدوپنجاه طبقه هم برسد.

○ جریان فرهنگی ایران، ناشی از چه مراوداتی بوده است؟

ایران قدیم، خیلی بزرگ بوده است. مثل امریکای قدیم که ملت‌های مختلفی را در خود گرد آورد. فرهنگ‌های مختلف در ایران گرد آمده بودند همه که فارس نبودند. ملت‌های مختلفی در این کشور حضور داشتند. از همه جا آمده بودند و با وجود فرهنگ‌های مختلف یک کشور قوی بود و ریشه فرهنگی پر قدرتی داشت که همه دور آن جمع شده بودند و بزرگی ایران هم در این است که ملت‌های مختلف همه جمع شدند و حتماً رنگ‌های مختلفی را به وجود آوردند، یک رنگ نیست. فرهنگ ایران رنگارنگ است. هر قومی که در اینجا زندگی می‌کند هر دهی با ده دیگر از نظر احساسات و رفتار متفاوت است و به همین خاطر موسیقیش هم گوناگون است. این تفاوت در شعر هم هست. در رفتارشناسی هم دیده می‌شود. این است که موسیقی ارمنی هم جایگاه خودش را در این جریان فرهنگی دارد و احساس خودش را برمی‌انگیزد، موسیقی ترکی هم احساس خودش را دارد و وابسته به منطقه‌ای است که در آنجا رشد کرده است. موسیقی لر‌ها هم با منطقه زیستی آنها متناسب است. موسیقی در هر منطقه، براساس ویژگی‌های آن منطقه رشد می‌کند. کوه و دریاچه و رودخانه، طبیعت و اُفتاب و سرما و گرما، شرایط اقتصادی و ... همه در این ساختار تاثیر دارد و از همین نظر است که خوشبختانه اگر ملت ایران احساس ناسیونالیستی پیدا نکنند و مثل قدیم جهانی باشند و بگذارند ملل مختلف در این منطقه زندگی کنند و خودشان را نشان بدهند، این فرهنگ هم جایگاه خودش را دارد و قویترین و مهمترین کشور خواهد شد. فرهنگ امروز ایران فرهنگی نیست که فقط فارسی‌ها آن را درست کرده باشند، فرهنگی است که ملت‌های مختلف در این منطقه به وجود آورده‌اند.

○ در مورد بحث رستم و سهراب قبلاً صحبت کردید، این یک مورد هنری در ایران است که شاید منحصر به فرد است. همان شعر فارسی و اوزان شعری است و به نحوی در دل خود موسیقی دارد و این ادبیاتی که در این گوشه دنیا حاصل جمع ملت‌های مختلف و به زبان فارسی است دلیل علاقمندی شما به ادبیات فارسی شده است. این شعر و این وضع چه نقشی در موسیقی ما ایفا کرده است؟

بنان هر چه می‌خواند از شعر حافظ و شاعرهای بزرگ ایران است. خوب ادبیات ایران می‌توانم بگویم مهمترین چیز در دنیاست و کشوری را در دنیا سراغ ندارم که از لحاظ ادبیات و شعر همسطح ایران باشد. ولی بزرگی شاعران ایران در این است که ناسیونالیست نبودند، به همه دنیا تعلق داشتند و به زبان فارسی شعر می‌گفتند. این است که با زبان دنیا صحبت کردند و چیزهایی که گفتند هم افریقایی دارد، هم چینی دارد، هم ایرانی دارد، یعنی اینها شاعرانی برای همه دنیا بودند، مثل



بتهوون و باخ که برای دنیا آهنگ ساخته‌اند و بزرگی آنها هم به همین است و باید همین فکر هم در موسیقی باشد. هر چیز فرهنگی باید در سطح دنیایی باشد و وجه ناسیونالیستی نگیرد، چون اولین چیزی که باعث عقب ماندن کار می‌شود احساس ناسیونالیستی فرهنگ است. این فرهنگ ناسیونالیستی نباید به وجود بیاید. همان طور که در روسیه و آلمان به وجود آمد و برایشان دشواریهایی ایجاد کرد. این نباید به وجود بیاید. ادبیات ایران واقعاً خیلی خیلی مهم است.

شاعران ایرانی از ایران بودند، ولی مال ایران نبودند به همه دنیا تعلق داشتند.
○ استاد از کنسرت جدید و برنامه جدیدتان که مفهوم صلح در آن به کار رفته و همین وجه دنیایی بگویید.

آقای دکتر کهن‌زاد خودشان دکتر هستند، جراح بیمارستان هستند، ولی واقعاً حس هنریشان خیلی بالاست. خوب خودشان در جنگ بوده‌اند، در همین جنگ ایران و عراق حضور داشته‌اند. او توقع دارد که همیشه صلح باشد. در همان جنگ همه دوستانش کشته شده‌اند و او این احساس را داشته است و تحت تاثیر همین احساسات، قطعه نغمه‌های صلح را نوشته است که یک کار خیلی زیبایی بود. من واقعاً خیلی از آن خوشم آمد و بلافاصله خواستم که او را همراهی کنم و در طول ده شبی که با هم همراهی کردیم، یک شب هم نشد که خسته شوم. و واقعاً از کار لذت بردم و آقای دکتر کهن‌زاد کارش آهنگسازی نبود و از استثنای دنیاست کسانی در دنیا هستند که کارشان صد درصد موسیقی نیست، اما عشق بزرگی به موسیقی دارند. کار بسیار قشنگی است و اجرا هم خیلی خوب بود و استقبال خیلی خوبی هم به عمل آمد. خیلی از نوابغ در دنیا بوده‌اند که با موسیقی، مفهوم عشق را دریافته‌اند.

○ استاد از برنامه‌های آینده‌تان بگویید.

در حال حاضر که ابرای رستم و اسفندیار را می‌نویسم و امیدوارم آنرا به پایان برسانم، برای مرکز گفت‌وگوی تمدنها هم یک سمفونی نوشتم و همین اواخر تمام شد.

○ آیا رستم و اسفندیار به سبک رستم و سهراب است، یا به گونه‌ای دیگر شکل می‌گیرد؟

خیر، سبک دیگری دارد. خوشحالم که به صورت تئاتر عروسکی اجرا می‌شود. در تالار وحدت مشغول ساختن صحنه هستند و عروسکهایش هم در اتریش ساخته می‌شود و در اتریش اجرا خواهد شد.

○ استاد سالتهای ما چی؟

سالن خیلی کم داریم.

○ سالتهای فعلی برای اجرای این کار چطور هستند؟

هیچ کدامشان مناسب نیست، یک موقع تالار وحدت برای زمانی که در شهر تهران یک یا دو میلیون نفر زندگی می‌کردند، خوب بود. اما باید سالتهای بزرگ هزار تا هزار و بانصد یا دوهزار نفره درست شود. شاید یک نفر ترجیح می‌دهد که بیاید و کنسرت گوش کند. حتماً باید تالارهای مختلف ساخته شود که خیلی کم داریم یا به تعبیری اصلاً نداریم.

○ چطور می‌شود موسیقی را به بچه‌ها آموزش داد، چطور باید شروع کرد؟

مادرشان، بزرگترین معلم موسیقی بچه‌ها مادران آنها هستند.

○ برای آشنایی با سازهای مختلف؟

خوب آشنایی را باید تلویزیون ایجاد کند یا از رادیو یاد بگیرند یا ممکن است آن را از فیلم بگیرند ولی نخستین معلم موسیقی، معلم ادبیات، معلم زبان مادر است!

